



دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس PGCC

دکتر سیف الرضا شهابی

سنگ بنای ضرورت همبستگی و همگرایی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در سال های دهه 70 میلادی گذاشته شد که ضرورت آن، در اظهارات مقامات کشورهای مذکور، صریحاً یا تلویحاً ابراز و اعلام شده است. این همبستگی ناشی از نگرانی هایی بود که منطقه را تهدید می کرد. به طوری که در دهه 1970 کویت تلاش هایی جهت تقویت همکاری های فرهنگی-اقتصادی و سیاسی بین 6 کشور عربی حاشیه خلیج فارس به عمل آورد. در 16 مه 1975 شیخ جابر الصباح امی متوفی دولت کویت (ولیعهد وقت کویت) در دیداری از ابوظبی، تشکیل هیأت مشترک وزیران امارات عربی متحده و کویت را با هدف بررسی مسائل مورد علاقه و تحکیم مناسبات فی مابین اعلام داشت و تأکید کرد این هیأت، دست کم سالی دو بار جلسه خواهد داشت. 1.

در 4 ژانویه 1976 وزیران اطلاعات کشورهای بحرین، امارات متحده عربی، قطر، کویت، عربستان سعودی، عمان و عراق در ابوظبی تشکیل جلسه دادند. نقشه های ایجاد دانشگاه، پیشرفت بهداشت، همکاری های تلویزیونی، تولید دارو، ایجاد آژانس خبری خلیج فارس و بسیاری از امور دیگر از جمله کارهایی بود که باید پیاده می شد و صورت اجرایی می گرفت. 2.

در نوامبر 1976 به اشاره شاه ایران، سلطان قابوس، اجلاسی از وزرای خارجه 8 کشور برای ایجاد سیستم امنیت جمعی در مسقط تشکیل داد که نتیجه ای در بر نداشت 3 و علت آن، رقابت بین ایران و عراق و عربستان بود 4 به طوری که طرح ایران با مخالفت عراق روبه رو شد.

در این اجلاس، ایران پیشنهاد کرد یک نیروی چند جانبه، تحت یک فرماندهی منحصر، متحد شود امنیت خارجی و داخلی امضاء کنندگان پیمان را تأمین کند. این پیشنهاد با دیدگاه اعراب برخورد داشت، زیرا بنا به دلایلی مسلم از سوی دشمن قدیمی خود ایران و با زعامت و پیشوایی آن دشمن دیرین، تهدید می شدند. عراق صریحاً دشمن این پیمان بود و می ترسید این میثاق، پیمان نیمه جان سننو را زنده کند. عربستان سعودی خاموشی گزید و کویت بیهوده می کوشید در این مسأله بیشتر بیاندیشد نماینده بغداد، کنفرانس را پیش از پایان ترک کرد و مخالفت خود را شتاب بخشید. 5

در دسامبر 1978 در پایان دیدار شیخ عبدالله سالم الصباح، ولیعهد وقت کویت از پادشاهی سعودی، بحرین، قطر، امارات و عمان، بیانیه مشترکی صادر گردید و در آنها به تحرک وسیع کشورهای منطقه برای رسیدن به یک اتحاد اشاره شد. 6

.... حمله عراق به ایران در دسامبر 1980 (31 شهریور 1359) و شروع جنگ و شدت یافتن نبرد و نامشخص بودن زمان پایان جنگ (اعلام آتش بس) و تأکیدات مکرر ایران بر خروج هرچه سریع تر عراق از سرزمین ایران و ادامه جنگ تا خروج آخرین سرباز عراقی از نقطه صفر مرزی و تنبیه متجاوز و معرفی آن سبب شد تا کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ضرورتی را که از دهه 1970 احساس می کردند و تا آن زمان موفق به اجرای آن نشده بودند، مجدانه پی گیری کنند 8 و به هر قیمت شده به اجرا در آورند و بر این اساس، جلسات و دیدارهایی توسط مقام های 6 کشور عربی صورت پذیرفت و در کلیه مذاکرات، تشکیل شورایی از 6 کشور محور تصمیمات قرار داشت به طوری که در نوامبر 1980 دوماه بعد از آغاز جنگ تحمیلی 9 و در یازدهمین اجلاس سران عرب در عمان پایتخت اردن، امیر کویت از رهبران کشورهای عربی خلیج فارس خواست در مورد ایجاد یک استراتژی مشترک و نیز همکاری در زمینه های مختلف بیاندیشند. 10 در ژانویه 1981 در حاشیه کنفرانس سران اسلامی در شهر طائف (عربستان سعودی) اجلاسی از سران 6 کشور عربی خلیج فارس تشکیل شد. کویت طرحی ارائه داد که متضمن دور نگه داشتن منطقه خلیج فارس از کشمکش های بین المللی بود. 11 و 12

در این اجلاس 3 طرح مختلف توسط عربستان سعودی، کویت و عمان مطرح شد. عربستان، طرح قراردادهای امنیتی را پیشنهاد داد. 13

کویت پیشنهاد کرد محور فعالیت ها در زمینه های اقتصادی، نفتی، صنعتی و فرهنگی باشد. عمان طرح پیشنهاد تشکیل قوای دریایی مشترک برای حفاظت از تنگه هرمز را عنوان کرد. در فوریه 1981، اجلاس وزرای خارجه 6 کشور عربستان سعودی، بحرین، کویت، امارات عربی متحده، سلطان نشین عمان و قطر در ریاض برگزار شد. در همین اجلاس، وزرای خارجه 6 کشور همگی با ایجاد شورای همکاری موافقت کردند 14 و در ماه مارس 1981 وزرای خارجه این کشورها در مسقط تشکیل جلسه دادند که بیانیه این اجلاس توسط وزیر خارجه عربستان سعودی قرائت شد. 15 و اساسنامه شورا و نحوه رأی گیری و تشکیل جلسات ادواری به تصویب رسید. همچنین موضوع تشکیل هیأت حل اختلاف بین اعضای شورا و صلاحیت دبیر کل شورا مورد بررسی قرار گرفت. 16 در ابتدای مارس 1981 یک کمیسیون فنی، مأمور پی ریزی اساسنامه شورای همکاری شد و در 1981/3/8 وزیران خارجه، آخرین اصلاحات را انجام دادند و در 1981/3/12 سران 6 کشور در ریاض تشکیل جلسه دادند و در 1981/3/16 با انتشار بیانیه ای رسمی تأسیس شورای همکاری را رسماً اعلام کردند. 18

در این ایام، با شکست جیمی کارتر از حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از رقیب تندرو انتخاباتی رونالد ریگان از حزب جمهوریخواه، توجه ایالات متحده به خلیج فارس بیشتر شد. به طوری که در سال 1981 م (نخستین سال حضور ریگان در کاخ سفید) رئیس جمهور آمریکا اهداف کشورش را در خلیج فارس در مقابل کمیته مشترک اقتصادی کنگره چنین تشریح کرد 19:

1_ دسترسی به نفت خلیج فارس و حفاظت از خطوط کشتیرانی

2_ متوقف ساختن توسعه طلبی شوروی

3_ تقویت مناسبات تجاری، اقتصادی و سیاسی آمریکا با کشورهای دوست در

منطقه

4_ دستیابی به نقاط کلیدی در کشورهای منطقه که در پروژه های نظامی آمریکا

قرار دارند.

همچنین هارولد براون وزیر اسبق دفاع آمریکا در سال 1980 اهداف ایالات متحده

آمریکا در خلیج فارس را بر مبنای محورهای زیر اعلام داشت:

1_ تضمین دسترسی به عرضه نفت کافی

2_ ایستادگی در مقابل گسترش و نفوذ شوروی

3_ ایجاد ثبات در منطقه (تضمین امنیت اسرائیل)

4_ توسعه فرایند صلح خاورمیانه (حفظ منافع اسرائیل)

شماری از تحلیل گران سیاسی امور خلیج فارس بر این باورند که شورای همکاری خلیج فارس به علت جنگ ایران و عراق و هراسی که میان حکام 6 کشور کوچک و عرب حوزه خلیج فارس پدیدار شد، 20 به دستور آمریکا بوجود آمد. 21 در اینکه جنگ عراق و ایران در راه اندازی سریع شورای همکاری موثر بود و نقش کاتالیزور را ایفا کرد، جای شک و شبهه ای نیست. آنها از ترس اینکه آتش جنگ دامن آنها را بگیرد و برای فرار از این آتش، پیمان منطقه ای را بهترین راهکار تشخیص دادند. به طوری که برژینسکی مشاور امنیت ملی در دوران جیمی کارتر در کتاب قدرت و اصول اشاره می کند:

((عربستان سعودی که امنیت حوزه های نفتی خود را در مخاطره قطعی می دید، اواخر سپتامبر 1981 از آمریکا درخواست کمک کرد. دولت سعودی خواهان ارسال فوری هواپیماهای آواکس برای عملیات اکتشافی در خلیج فارس شد. ظاهراً سعودی ها بیم داشتند که جمهوری اسلامی در واکنش به عملیات عراق تأسیسات نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله عربستان را مورد حمله قرار دهد. سرانجام با تقاضای سعودی ها موافقت شد و آمریکا با وجود اعلام بی طرفی، برای حفاظت از مصالح و منافع دوستان خود عملاً به نفع آنان جبهه گیری کرد)).

البته درباره اینکه شورای همکاری خلیج فارس با دستور آمریکایی ها 22 به وجود آمده باشد، دلایل کافی وجود ندارد. 23 به قول نویسنده کتاب آمریکا و خاورمیانه ((عربستان سعودی و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در عین حال که خود را نیازمند کمک و پشتیبانی آمریکا می دانند ترجیح می دهند در نهایت، بیشتر به نیروهای عربی و توانایی آنها متکی باشند)).

واقعیت این است که هر 6 کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به دلیل وسعت اندک (غیر از عربستان) و جمعیت محدود (عربستان هم به نسبت وسعتش جمعیت کمی دارد) و ثروت سرشار، طبیعی است که خود را در معرض تهدید قدرت های برتر منطقه و فرامنطقه ای ببینند و برای حفظ امنیت خودشان راهکاری بیندیشند و این راهکار را در همگرایی و پیمان منطقه ای محدود عربی جستجو کنند. این کشورها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نسبت به اهداف عراق و ایران سوء نظر داشتند. عراق علناً به موجودیت کویت معترض بود و ایران اگرچه در ظفار برای سرکوب شورشیان به سلطان قابوس کمک کرده بود. فوولی اعراب ساحلی، به اهداف شاه با سوء نظر نگاه می کردند، با اینکه در دکتورین نیکسون، ستون اقتصادی بر عهده عربستان و ستون نظامی بر عهده

شاه ایران گذاشته شده بود، 24 باین حال، رقابتی پنهان میان تهران و ریاض بر سر حاکمیت و تسلط بر خلیج فارس وجود داشت 25 و به علت اختلاف میان تهران و بغداد در زمان شاه، تحریکاتی توسط عوامل رژیم بعث عراق در کشورهای ساحلی علیه ایران انجام می گرفت و سوء نظر 6 کشور را نسبت به ایران افزایش می داد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیم و هراس در این کشورها روبه افزایش نهاد. از یک سو عراق و آمریکا هر یک با اهداف جداگانه و از سوی دیگر اظهارات ناسنجیده برخی مقامات غیرمسئول جمهوری اسلامی ایران، در افزایش بیم و هراس در 6 کشور ساحلی خلیج فارس موثر بودند. کشورهای کوچک ساحلی از یک سو نمی خواستند سرنوشتشان رابه ایران و عراق گره بزنند و از سوی دیگر به دلایلی علاقه مند روابطشان با بلوک غرب به ویژه آمریکا چندان علنی و آشکار شود و به عنوان عوامل آمریکا در منطقه معرفی شوند. بنابراین، بر آن شدند تا در قالب یک پیمان جمعی از 6 کشور عرب ساحلی خلیج فارس به نام شورای همکاری خلیج فارس گرد هم آیند. شروع جنگ ایران و عراق، فرصت مناسبی را برای 6 کشور عضو شورا فراهم آورد تا بهانه جنگ میان تهران و بغداد، دروای حضور این دو کشور مهم و بزرگ ساحلی خلیج فارس، شورای مورد نظر را تشکیل دهند. 26

از آنجا که هر یک از 6 کشور عضو شورای همکاری روابط نزدیک و صمیمانه ای با آمریکا و انگلیس داشتند، تشکیل شورا مورد استقبال بلوک غرب قرار گرفت و این انگاره برای کشورهای رادیکال منطقه و بلوک شرق - در آن زمان - ایجاد شد که شورای همکاری به وسیله آمریکا به وجود آمده و در راستای حفظ منافع آنها گام برمیدارد. انگیزه حمایت شیوخ 6 کشور عضو تشکیل شورای همکاری، با انگیزه حمایت آمریکا از شورا متفاوت بود. حکومت‌های 6 کشور ساحلی برای حفظ حکومتشان شورا را تشکیل دادند، 27 ولی واشنگتن برای بهره گیری از نفت خلیج فارس، از تشکیل شورا استقبال کرد، به طوری که دیک چنی وزیر دفاع ریگان (معاون جرج دبلیو بوش) ابراز داشت:

((برای ما حکومت آل صباح مطرح نیست، ما فقط خواهان نفت هستیم)).

همسویی خواسته و ناخواسته شورای همکاری با غرب، به ویژه آمریکا سبب شد که شوروی (دوران برژنف) تشکیل شورا را یک طرح آمریکایی بدانند که طی آن واشنگتن برای تحت نفوذ در آوردن کشورهای حوزه استراتژیک خلیج فارس می کوشد و اظهار نظرهای برخی مقام های آمریکایی نظیر نیکلاس ویولت، معاون وزیر خارجه وقت آمریکا در مه 1982 در سالگرد تأسیس شورا برظن روسها افزود. نیکلاس گفته بود:

((شورا گام مهمی در تقویت همکاری است، این هدفی است که مردم منطقه به آن احترام می گذارند و ما از آن استقبال و حمایت می کنیم. این همکاری، پایه ایجاد چشم اندازهای صلح و توسعه منظم در منطقه است)). 28

دکتر نایف علی عبید درباره واکنش‌های مربوط به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس می‌نویسد: ((تشکیل شورای همکاری خلیج {فارس} از طرف آمریکا و انگلستان، مورد استقبال قرار گرفت و آنها اظهار امیدواری کردند که این شورا در تعامل با غرب، موجب ایجاد امنیت در خلیج {فارس} شود. ولی شوروی در این باره نظر موافق نداشت، به طوری که روزنامه پراودا ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی نوشت: گرومیکو در ملاقات با شیخ صباح احمد جابر معاون نخست وزیر خارجه کویت در آوریل 1981 با طرح پیشنهادی عمان مبنی بر تشکیل ناوگان دریایی مشترک برای حمایت از تنگه هرمز و نیز طرح عربستان سعودی جهت همکاری نظامی دول خلیج {فارس} مخالفت کرد و گفت این نوع پیمان‌ها نمی‌تواند به استقرار ثبات در منطقه کمک کند.

ایران به سرعت با تشکیل شورا مخالفت کرد و سخنگوی انقلاب اسلامی علی خامنه‌ای 29 اعلام داشت که این پیمان، علیه ایران است. ولی غیر از این، جمهوری اسلامی ایران مخالفت دیگری ابراز نداشت)). 30

برژنف دبیر کل وقت حزب کمونیست شوروی در بیست و ششمین کنگره حزب در فوریه 1981 اعلام کرد: ((تأسیس شورای همکاری خلیج {فارس} با دلارهای آمریکا صورت گرفته است)). 31

البته بعدها نظر شوروی تعدیل پیدا کرد به طوری که در ماه نوامبر 1985 روزنامه ((کراسیانا رویزدا)) نوشت: ((رهبران شورای همکاری خلیج {فارس} به موازات برنامه‌های ویژه جمعی برای تضمین امنیت و دفاع به ضرورت گسترش منابع نظامی در منافع ملی کشورهای PGCC نظر دارد)). 32

بلافاصله بعد از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، در 20 اوت 1981 قراردادی بین لیبی، اتیوپی و یمن جنوبی در عدن به امضاء رسید و نظر برخی از صاحب نظران امضای قرارداد فوق واکنش روسها نسبت به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس بود. 33
با توجه به نکات یادشده، این شورادر عمر 25 ساله اش سه مرحله را پشت سر گذاشته است:

1_ از زمان تشکیل در 1981 تا اشغال کویت توسط عراق و فروپاشی شوروی

2_ از پایان جنگ سرد تا 11 سپتامبر 2001

3_ از حمله به برج‌های دوقلو تاکنون

و در هر مرحله، مواضع خاصی مطابق با شرایط اتخاذ کرده است که در قطعنامه‌های اجلاس‌های سران منعکس است و با بررسی آنها می‌توان به مواضع شورای همکاری پی برد. در تمامی قطعنامه‌ها یک اصل جوهری و راهبردی حاکم است و آن ایجاد ثبات پایدار

در آبراه استراتژیک خلیج فارس و امنیت در داخل کشورهای عضو شورا است. در اینجا یادآوری یک نکته تاریخی و سیاسی اهمیت دارد و آن شدت اصرار کویت بر تشکیل شورا نسبت به سایر کشورهاست. به طوری که از دهه 70 میلادی، مقامات ارشد حکومتی و دیپلماتی کویت در دیدارها و سفرهای دوره ای به سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، بر ضرورت تشکیل آن تأکید می کردند و آن را یک ضرورت ژئوپلیتیکی می خواندند و این ناشی از هراسی بود که کویت از زمان استقلال خود از عراق داشت. زیرا از بدو تأسیس عراق در بعد از جنگ جهانی اول و خصوصاً بعد از اعلام استقلال کویت، همواره مقامات سیاسی-نظامی عراق به این کشور (کویت) به عنوان بخشی از خاک عراق نگاه می کردند و آنرا بخش پیوسته و جدایی ناپذیر عراق می دانستند و بر آن بودند که عراق از چهار قسمت شمالی (کردنشین)، مرکزی (سنی نشین)، جنوبی (بصره-شیعیان) و کویت تشکیل شده است و هرگز موجودیت مستقل کویت را به عنوان یک کشور به رسمیت نمی شناختند. کویتی ها تصویری کردند با ورود به یک پیمان استراتژیک جمعی با سایر کشورهای عربی خلیج فارس، می توانند از تجاوز عراق در امان بمانند. و در صورت وقوع تجاوز، مشترکاً به دفاع برخیزند. به نظر می رسد یکی از علل تشویق عراق از سوی کویت، جهت حمله به ایران این بود که عراق درگیر و در جنگ با ایران از حمله به کویت منصرف شود. پیش از پرداختن به متن کامل منشور یا اساسنامه شورای همکاری خلیج فارس (مشمول بر 22 ماده) که در 21 رجب 1401 ه.ق مصادف با 25 مه 1981 در شهر دوی (امارات متحده عربی) به امضاء روسای 6 کشور عضو رسید، تذکر نکاتی درباره اساسنامه ضرورت دارد:

1_ توافق بر سر استقرار دبیرخانه در شهر ریاض پایتخت عربستان سعودی، نشانگر آن است که 5 کشور دیگر شورای همکاری، رهبری و زعامت عربستان را به عنوان برادر بزرگتر (با وجود اختلافات ارضی و مرزی که برخی کشورهای عضو با این کشور دارند) پذیرا شدند و این واقعیت را قبول کردند که عربستان بر آنها برتری دارد. 34

2_ در ماده 4 که اهداف را بیان می دارد و مهم ترین ماده اساسنامه قلمداد می شود، بر تعمیق روابط میان دولت ها و مردم بر اساس پایه های اقتصادی و مالی، تجاری و گمرکی و ارتباطات و همچنین آموزش و فرهنگ و تشویق و ترویج علم و تکنولوژی در حوزه های صنعتی و معدن و کشاورزی و آب تأکید شده است.

3_ در بند 1 از ماده 7، بالاترین مرجع شورای همکاری، شورای عالی شامل سران و رهبران 6 کشور عضو عنوان شده است.

4_ ماده 8 وظایف شورای عالی را جهت تحقق اهداف شورای همکاری تشریح می کند.

5_ بند 5 ماده 12 به وظایف شورای وزیران در زمینه های اقتصادی، مانند تشویق همکاری میان فعالیت های بخش خصوصی، توسعه همکاری بین اتاقهای بازرگانی دولت های عضو اشاره دارد.

همان گونه که از متن اساسنامه برمی آید، هدف اولیه امضاء کنندگان، توسعه روابط اقتصادی و تجاری و علمی بود و هیچ گونه اشاره ای به فعالیت های مشترک سیاسی و امنیتی و دفاعی نداشتند و به طوری که شورای همکاری، صرفاً بر بنیان های تجاری و بازرگانی و علمی شکل گرفته است و مانند بسیاری دیگر از سازمان های منطقه ای که در نقاط مختلف جهان بر اساس حوزه جغرافیایی ایجاد شده اند (نظیر: اکو، آسه آن و غیره)، اهدافی علمی و اقتصادی دارد. ولی در سال های بعد، به علت شرایط امنیتی در داخل این کشورها و وضعیت منطقه و جهان، رویکردهای امنیتی-سیاسی و نظامی در شورای همکاری پدیدار شد و رو به افزایش نهاد.

از تأسیس شورای همکاری خلیج فارس، بر اساس قطعنامه هایی که در اجلاس های سران ویا وزرای خارجه صادر شده و روابطی که شورای همکاری در سطح منطقه ای و بین المللی برقرار کرده است، مشخص می شود که شورای همکاری، اهدافی فراتر از اهداف ذکر شده در ماده 4 اساسنامه را تعقیب و پی گیری کرده است. اکنون هدف شورا در حفظ امنیت کشورهای عضو از تهدیدات و حملات احتمالی کشورهای خارجی (منطقه ای و فرامنطقه ای) خلاصه نمی شود بلکه از ناحیه داخل هم با خطراتی نظیر: شورش ها، قیام ها و رشد نهضت های مقاومت و استقلال طلبانه قومی، مذهبی و دینی روبرو هستند و ناگزیر آنها را بر آن داشت که به حرکتی جمعی جهت پیشگیری روی آورند و در صورت بروز حوادث و اتفاقات، به سرکوب آنها دست بزنند، عمانی ها تجربه ظفار در دهه 70 میلادی و سعودی ها تجربه قبایل غتیه قطان و حارب را دارند.

باید خاطر نشان ساخت که اکثر کشورهای عربی خلیج فارس، در مورد خطوط و حدود مرزی با یکدیگر اختلافات دارند که هر از گاهی این تنش ها اوج می گیرد و در شرایط عادی، انبار باروتی است که با کوچکترین جرقه امکان شعله ور شدن وجود دارد.

بر اساس آمار پایگاه اینترنتی شورای همکاری خلیج فارس {فارس} در سال 2004 کل مساحت 6 کشور 2/670/000 کیلومتر مربع و جمعیت آن 33/5 میلیون نفر و تولید ناخالص داخلی 476 میلیارد دلار و صادرات 285 میلیارد دلار و واردات 150 میلیارد دلار و درآمد سرانه 14218 دلار بود.

پی نوشت ها

1. مجلس التعاون لدول الخلیج {فارس}... من التعاون الی التکامل، دکتر نایف علی عبید، ص 129

2. توفان خلیج فارس، البویه دلاژ و ژرار گریزیک، ترجمه دکتر اسدالله میشری و دکتر محسن مویدی، انتشارات اطلاعات، تهران

1366، ص 117

3. در ژانویه 1968 یوجین روستو (Eugen Rostow) مشاور وزیر خارجه آمریکا در راستای استراتژی آن زمان آمریکا مینی بر ایجاد پیمان‌های نظامی علیه گسترش کمونیسم، طرحی جهت همکاری میان کشورهای ترکیه، ایران، پاکستان، عربستان سعودی و کویت ارائه داد. طرح مذکور با مخالفت عربستان و کویت که شدیداً تحت تأثیر کشورهای تندرو و رادیکال عرب بودند مواجه شد. (استراتژی شوروی در منطقه خلیج فارس 1989، 1979 پایان نامه، ص 146)

در دهه 1970 تلاش‌های انگلستان جهت ایجاد یک سیستم همکاری دفاعی تحت عنوان همکاری‌های دفاعی بین کشورهای عربی ایران، با وجود استقبال ایران، با مخالفت کشورهای عربی شکست خورد. (همان مأخذ)

4. کشورهای حاشیه خلیج فارس را از نظر توانمندی و قدرت می‌توان به دودسته تقسیم کرد کشورهای ایران و عربستان و عراق در فهرست کشور صاحب‌و مدعی رهبری قرار دارند و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس در موضعی ضعیف‌تر قرار دارند و بر سر رهبری رقابت آشکار و پنهان میان سه کشور ایران، عربستان سعودی و عراق در قبال انقلاب وجود داشت و با انقلاب اسلامی ایران و سپس شروع جنگ عراق و ایران، عملاً این دو کشور وارد جنگی فراگیر و تمام‌عیار شدند که جز به جنگ به موضوع دیگری فکرنمی‌کردند و هر کدام اهتمام می‌ورزیدند در سطح جهانی و منطقه‌ای و حوزه خلیج فارس یارگیری کنند و عربستان از وضعیت پیش‌آمده به نفع منطقه‌ای‌اش استفاده کرد و رهبری را بر عهده گرفت.

5. توفان خلیج فارس، ص 115

6. مجلس التعاون لدول الخلیج {فارس}... من التعاون الی التکامل، دکتر نایف علی عبید، ص 129

7. امن الخلیج {فارس}...، تطوره و اشکالیاته، دکتر ظافر محمد العجمی، ص 447

8. آقای دکتر سعید محمد ادریس رئیس مرکز مطالعات خلیج {فارس} موسسه مطالعات استراتژیک الاهرام مصر، در بیان علل تشکیل شورای همکاری خلیج فارس معتقد است: ((شورای همکاری بر اساس دو رخداد مهم منطقه‌ای که در سال‌های 1979 و 1981 یعنی سال‌های سقوط رژیم سلطنتی ایران (دوست و هم‌پیمان شش کشور حشیه جنوبی خلیج فارس) و پدیداری انقلاب اسلامی و در نهایت بروز جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران تکوین یافت)) (مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، اسفند ماه 1381)

9. با شروع جنگ کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به دودسته فکری تقسیم شدند. کشورهای طرفدار عراق که شامل: عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر و کشورهای طرفدار ایران عبارتند از: امارات عربی متحده و عمان. علت اینکه دولت عمان نظر مساعدی با

عراق نداشت، به این خاطر بود که در حوادث ظفار که در اواخر دهه 60 و اوایل دهه 70 میلادی علیه سلطان قابوس رخ داد، رژیم عراق از شورشیان حمایت کرد.

10. توفات خلیج فارس، ص 118

11. عوامل تأثیرگذار خارجه در خلیج فارس، ص 222

12. ملک خالد پادشاه وقت عربستان در کنفرانس اسلامی در طائف (ژانویه 1981) همه کشورهای اسلامی را تشویق کرد که از اتحاد نظامی با بر قدرت‌ها خودداری کنند. یک مقام سعودی در این باره به بحرینی‌ها گفت: ((ما می‌خواهیم آمریکا در جایی باشد که ما آن را فقط ببینیم نه اینکه در ساحل عربستان باشد)) (همان مأخذ، ص 61)

13. در این زمان، عربستان سعودی موفق شده بود موافقت‌نامه‌های امنیتی دوجانبه‌ای را با دیگر کشورهای عضو شورا غیر از کویت به امضاء برساند. بهانه کویت تعارض بعضی بندهای موافقت‌نامه با قانون اساسی کویت بود. از جمله: بندی که به نیروهای امنیتی کشورهای عضو اجازه می‌داد هنگام تعقیب افراد مظنون تا 20 کیلومتر در داخل کشورهای همسایه وارد شوند.

14. علی چند موجب شد تا این کشورها بایکدیگر به توافق برسند، که مهم‌ترین آن: الف- انقلاب اسلامی ایران است، 6 کشور احساس خطر کردند و به آینده‌شان نامطمئن شدند. ((حساسیت کشورهای خلیج فارس نسبت به صدور انقلاب باعث تیرگی روابط شده بود)) (آینده امنیت خلیج فارس، محمود محمد فرج زین، عضو شورای امور خارجی مصر، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش خلیج فارس، اسفند 83، ج دوم)

ب- جنگ ایران و عراق که دو کشور قدرتمند و صاحب ادعای رهبری منطقه را به خود مشغول داشت، فرصتی برای سایر کشورهای حوزه خلیج فارس فراهم کرد تا به انسجام خود بپردازند و عربستان هم از موقعیت پیش آمده استفاده کرد

ج- حمله روسیه به افغانستان و اشغال آن کشور و روی کار آمدن دولتی طرفدار مسکو که روسیه را یک قدم برای دسترسی به خلیج فارس و تسلط بر تنگه هرمز نزدیک‌تر کرد آرزویی که روس‌ها از زمان‌های گذشته (زمان پترکیبر) در پی تحقق آن بودند.

د- اشغال مسجد الحرام در مکه در سال 1979

((پس از قیام مسلحانه درمکه در سال 1979 عربستان سعودی به این فکر افتاد تا تمهیداتی برای مقابله با حوادثی نظیر قیام مکه ببیند و در این میان، از دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز کمک بگیرد. اما پس از حمله عراق به ایران در سپتامبر سال 1980 ایده تشکیل شورای همکاری به طور جدی تری مورد توجه قرار گرفت))

15. سقوط رژیم شاه که ژاندارمی منطقه را بر عهده داشت و روی کار آمدن جمهوری اسلامی که شعارهای عدالت خواهانه و استقلال طلبانه ای مطرح می کرد همراه با مداخله نظامی شوروی در افغانستان، از عوامل حرکت به سوی این هدف محسوب می شد. جنگ ایران و عراق نیز نگرانی کشورهای کوچک حوزه جنوب خلیج فارس را می افزود و آنان را به عربستان سعودی نزدیکتر می کرد. جنگ ایران و عراق، عربستان را به فکر حرکت به سمت جایگاه رهبری منطقه رهنمون کرد. (تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، ص 147)

16. مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، ص 49، مجلس التعاون لدول الخلیج {فارس}...، من التعاون التکامل، دکتر نایف علی عبید.

17. مجموع تولید داخلی کشورهای شورای همکاری 323 میلیارد دلار و مجموع بدهی های آنها 246 میلیارد دلار است (یعنی 75 درصد تولید داخلی). به عقیده یک کارشناس اقتصادی هرگاه مجموع بدهی های دولتی از 65% بالاتر رود، نشانگر خطری جدی برای آن دولت است. اما یک کارشناس صهیونیست می گوید: دولت های خلیج فارس مقروضند، اما بدهی آنها وقتی با ذخایر و گنج های هیدروکربونیک آنها مقایسه شود قابل ملاحظه نیست. هزینه های جنگ اول خلیج فارس بین 200 الی 500 میلیارد دلار و هزینه های جنگ دوم 65 میلیارد دلار و جنگ سوم که هنوز ادامه دارد (دسامبر 2004) بالغ بر 120 میلیارد دلار بوده است. یعنی مقدار زیادی از اموال کشورهای خلیج فارس صرف جنگ ها شده و می شود. 15% والی 35% از تولیدات داخلی نیز صرف خرید تسلیحاتی شده که برای تأمین امنیتی اهمیت ندارد. مقدار 1/5 تریلیون دلار هم در خارج سرمایه گذاری شده که اکثر آن در آمریکا و اروپای غربی است و معلوم نیست در نهایت متعلق به بخش خصوصی است یا عمومی و این در حالی است که مقدار سرمایه گذاری در بخش های اجتماعی، مانند تعلیم و تربیت، در مقایسه با بخش تسلیحات بسیار کمتر است. (سناریوهای راهبردی برای امنیت خلیج فارس، فهد بن عبدالرحمن آل ثانی، استاد ژئوپلیتیک دانشگاه قطر، پانزدهمین اجلاس همایش بین المللی خلیج فارس، ص 9)

18. در صفحات بعد، متن کامل منشور شورای همکاری خلیج فارس آمده است.

19. در سال 1974 در دوران ریاست جمهوری نیکسون (حزب جمهوری خواه) اهداف سیاست آمریکا در خلیج فارس به طور رسمی این گونه اعلام شد:

1- حمایت از تلاش های جمعی منطقه ای، برای تأمین امنیت و توسعه بدون دخالت خارجی

2- حل مسالمت آمیز اختلافات اراضی میان کشورهای منطقه و تقویت همکاری فی مابین

3- استمرار دستیابی به نفت خلیج فارس باقیمت های پایین و مقادیر کافی

4- افزایش منافع تجاری و مالی آمریکا

5- کمک و تشویق کشورهای منطقه به جریان دوباره مازاد درآمدهای خود به اقتصاد جهانی (علل تشکیل شورای همکاری خلیج

فارس، پایان نامه، ص 77)

20. از دید دکتر سعید محمد ادريس از موسسه مطالعات استراتژیک الاهرام مصر:

((تأسیس شورای مذبور، هیچ گاه به عنوان یک اقدام رضایتمندانه و حاکی از خواست مشترک اعضاء آن به شمارنرفته است. بلکه باور

و تلقی تهدید مشترک از سوی اعضاء آن چنین ضرورتی را ایجاب کرده است)) (مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بین المللی خلیج

فارس، اسفند ماه 1381)

21. در تحلیل دکتر سعید محمد ادريس : ((آمریکا قادر به ایجاد توافق امنیتی مشترک با اعضاء شورای همکاری نبود، در نتیجه، راهکار

توافقات دوجانبه را درپیش گرفت. با وجود تقویت تسلیحاتی شورا از سوی آمریکا، هیچ گاه مدل امنیت دستخیز جمعی میان آمریکا

و شورای همکاری به گونه ای که توان رقابت با اقتدار ایران و عراق را داشته باشد، در سطح منطقه خلیج فارس شکل نگرفت)). (همان

مأخذ)

22. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در دوران جنگ سرد به عنوان متحدان استراتژیک آمریکا و غرب محسوب می

شدند. (گزیده تحولات جهان، ویژه حمله آمریکا به عراق، آینده کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در پرتو تحولات عراق، مجید

یونسیان)

23. نویسنده کتاب عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس می نویسد: ((به این ترتیب، گرچه نقش آمریکا در تشکیل شورای همکاری

خلیج فارس، به درستی روشن نشده است، طیف سیاسی-امنیتی مرکب از شش کشور عرب حوزه خلیج فارس پدید آمد که در آن

عربستان، نقش برادر بزرگتر را ایفا میکرد)). (عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس، محمد علی امامی، دفتر مطالعات سیاسی و بین

المللی، ص 122)

24. در ماه مه 1972، پرزیدنت نیکسون موافقت کرد به شاه اجازه داده شود، تقریباً هر نوع سلاح متعارفی (غیر اتمی) را که در زرادخانه آمریکا وجود دارد، از جمله هواپیماهای پیشرفته اف-14 و هواپیماهای شناسایی آواکس، موشک های فونیکس و ماوریک، ناوشکن های نوع اسپرانس و یک سیستم ردیابی و مراقبت الکترونیکی 500 هزار دلاری آی بی تی ایکس را خریداری کند. (سیاست خارجی آمریکا و شاه، مارک ج. گازیوروسکی، ص 250)

25. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رقابت میان ایران و عربستان بر سر چهار عامل اساسی زیر بایکدیگر ادامه یافت:

1- رقابت ایران و عربستان بر سر رهبری منطقه خلیج فارس

2- رقابت بر سر بسط نفوذ در شمال آفریقا

3- رقابت بر سر نفوذ در آسیای مرکزی

4- رقابت بر سر تفسیر اسلام در عرصه سیاست به همراه کینه عربستان از مواضع ضد شاهی و ضد سلطنتی انقلاب اسلامی (تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، دکتر جلیل روشندل، دکتر سید حسین سیف زاده مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ص 124)

26. هدف های شورای همکاری بنابر آنچه اعلام شده عبارتند از:

1- توسعه همکاری بین کشورهای عضو

2- ایجاد هماهنگی در سیاستهای اقتصادی، مالی، تجاری، آموزشی و قانونگذاری

3- تشویق پیشرفت های علمی و فنی در میان کشورهای عضو

4- ایجاد یک استراتژی مشترک دفاعی

5- همکاری اطلاعاتی در مقابله با اقدامات، به منظور براندازی و نیز مقابله با گروه های مخالف (تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، ص 148)

27. شورای همکاری که در بدو امر یکپارچگی اقتصادی راه‌هدف عمده خود عنوان کرده بود در یک استتعاله کلی به یک شورای سیاسی-نظامی محافظه کار مبدل شد که سعی داشت ایجاد امنیت برای خاندان های حاکم این کشورها راتحت لوای حفظ امنیت منطقه جامه عمل بپوشد(عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس،ص8)

28. مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در مقابل جمهوری اسلامی ایران،ص91

29. حضرت آیت الله خامنه ای

30. مجلس التعاون لدول الخلیج {فارس}...من التعاون الی التکامل، دکتر نایف علی عبید،ص136

31. استراتژ شوروی در منطقه خلیج فارس 1979-1980، پایان نامه، ص149

32. همان مأخذ

33. همان مأخذ

34. شیخ نشینان از میان 3 قدرت برتر خلیج فارس، سلطه عربستان را پذیرفتند و با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، عملاً دو قدرت دیگر را که هر دو دارای افکار رادیکال بودند از ترتیبات نظام امنیتی خلیج فارس کنار گذاشتند(تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس،ص126)